

**Literary Flaws in Ali Maleki's Readable Translation of the Qur'an with
Emphasis on the Last Five Parts (Ajzā') of the Qur'an**

Abdollah Mirahmadi¹

Amirmohammad Shojaei Pour²

Abstract

The translation of the Holy Qur'an into other languages is one of the most significant scholarly endeavors and requires the highest level of academic precision. Although this issue has been addressed since the early centuries of Islam and numerous translators have produced Qur'anic translations, no translation has yet fully met the expectations of contemporary society or been entirely free from flaws. Consequently, the critical evaluation of Qur'anic translations can play an essential role in improving their quality. This study adopts a descriptive-critical approach to examine and evaluate Ali Maleki's Readable Translation of the Qur'an, with a particular focus on the last five parts of the Qur'an, drawing upon lexical, exegetical, and literary sources. The findings indicate that although this translation is fluent, simple, and accessible to the general public, it has not been able to fully preserve all literary features of the original Arabic text and contains numerous literary deficiencies. The primary cause of these shortcomings appears to be insufficient attention to the source language of the Qur'an. The study identifies 26 lexical errors, 49 morphological errors, 21 syntactic errors, and 20 rhetorical errors in the translation of the last five parts of the Qur'an, which are summarized in a table presented at the end of the article.

Keywords: Holy Qur'an; Qur'anic translation; Ali Maleki's translation; Translation criticism; Readable Qur'an translation; Literary criticism.

1. Associate Professor, Department of Qur'anic Sciences and Hadith, Kharazmi University, Tehran, Iran, (Corresponding Author) mirahmadi_a@khu.ac.ir

2. PhD Candidate in Qur'anic Sciences and Hadith, University of Mazandaran, Iran, amirmohamadshj@gmail.com

آسیب‌های ادبی در ترجمه خواندنی قرآن از علی ملکی با تأکید بر پنج جزء آخر قرآن*

عبدالله میراحمدی^۱

امیر محمد شجاعی پور^۲

چکیده

ترجمه قرآن کریم به سایر زبان‌ها، از مهمترین اموری است که باید با دقت علمی بیشتر به آن پرداخته شود. با اینکه از صدر اسلام تاکنون به این موضوع توجه شده و مترجمان بسیاری به عرصه ظهور رسیده‌اند؛ اما تاکنون ترجمه‌ای مطلوب و بدون اشکال از قرآن ارائه نشده، طوری که بتواند تمام انتظارات جامعه ما را برآورده کند. از این رو نقد و بررسی ترجمه‌های قرآن می‌تواند کمک شایانی به مطلوب شدن کیفیت ترجمه‌های قرآن کند. به همین دلیل نگارندگان در این مقاله به دنبال آنند که به صورت توصیفی - انتقادی به نقد و بررسی ترجمه خواندنی قرآن نوشته علی ملکی، با تأکید بر پنج جزء آخر قرآن و با استناد به منابع لغوی، تفسیری و ادبی بپردازند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، ترجمه خواندنی قرآن نیز با اینکه ترجمه‌ای روان و ساده و قابل فهم برای اقشار جامعه است؛ اما مانند دیگر ترجمه‌ها نتوانسته است تمام نکات ادبی را در ترجمه رعایت کند و اشکالات ادبی بسیاری در آن دیده می‌شود. علت عمده این آسیب‌های ادبی را می‌توان عدم توجه به زبان مبدأ قرآن دانست. ۶۲ مورد آسیب لغوی، ۹۴ مورد آسیب صرفی، ۱۲ مورد آسیب نحوی و ۰۲ مورد آسیب بلاغی، از جمله آسیب‌های ادبی ترجمه خواندنی قرآن است که در ترجمه پنج جزء آخر قرآن مشاهده و در جدولی در پایان این مقاله به طور اجمال ذکر شده است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، ترجمه قرآن، ترجمه علی ملکی، نقد ترجمه، ترجمه خواندنی قرآن، نقد ادبی.



* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۸/۲۶، تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۹/۴.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jrla.2025.70319.1399

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه خوارزمی تهران. (نویسنده مسئول) mirahmadi_a@khu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران. amirmohamadshj@gmail.com

۱. مقدمه

قرآن کریم کتاب مقدس مسلمانان می‌باشد که به زبان عربی اما برای هدایت همه انسان‌ها نازل شده است، به همین دلیل ترجمه و برگرداندن آن، از زبان عربی به زبان‌های دیگر ضرورت دارد.

بررسی سیر تاریخی ترجمه قرآن نشان می‌دهد که از سال‌های آغازین نزول قرآن ایرانیان فارس زبان از نخستین کسانی بودند که دست به ترجمه قرآن زده‌اند. بنابر قولی سلمان فارسی اولین کسی بود که سوره فاتحه را از زبان عربی به زبان فارسی ترجمه نمود (سرخسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ص ۳۷). البته ترجمه سوره فاتحه توسط سلمان فارسی، آخرین ترجمه فارسی قرآن نبود و ایرانیان پس از سلمان نیز راه او را ادامه دادند و به ترجمه قرآن به زبان فارسی پرداختند. دوران پیروزی انقلاب اسلامی ایران به بعد را می‌توان دوران شکوفایی ترجمه فارسی قرآن دانست که صدها ترجمه کامل و غیرکامل از قرآن به زبان فارسی در آن نوشته شد، اما با این حال این ترجمه‌ها همگی دارای نقص‌های بسیاری هستند که لازم است با توجه به اصول و قواعد ترجمه قرآن، نقد و بررسی شوند تا هم مردم به نقص‌ها و کاستی‌های ترجمه‌های قرآن آگاه شوند و هم مترجمانی که می‌خواهند دست به ترجمه قرآن بزنند با دقت نظر بیشتری به این امر مهم بپردازند. از جمله ترجمه‌های فارسی قرآن، ترجمه خواندنی قرآن، نوشته علی ملکی می‌باشد که به روش تفسیری و پیام‌رسان و با اسلوبی جدید در چند سال اخیر نگاشته شده است، روشی که از اشکالاتی برخوردار است:

۱. افراط مترجم در توجه به پیام، گاهی موجب می‌شود تا تمام خصوصیات لفظی زبان مبدأ بازسازی نشده و نکات و مسایل ظریف و هنری نادیده گرفته شود.
۲. مخلوط‌شدن ترجمه با توضیحات اضافی و تفسیری، از اشکالات عمده این شیوه ترجمه است؛ به گونه‌ای که مخاطب در نمی‌یابد کدام قسمت، سخن اصلی متن است که ترجمه شده و کدام قسمت، توضیح اضافی مترجم است؛ البته می‌توان این اشکال را با اضافه کردن پرانتز و گروه‌های متعدد برطرف کرد.
۳. در این گونه از ترجمه، مترجم در حقیقت، فهم خود را از مطلب به مخاطب ارائه می‌کند.

۴. در این روش، بسیاری از حروف و تأکیدها، فدای پیام‌رسانی و سلاست عبارت شده و ترجمه نمی‌شوند یا ضمیر غایب به حاضر و جمع به مفرد و یا بالعکس تبدیل می‌شود.

۵. این روش ترجمه، معمولاً بر یک تفسیر استوار است و در مواردی که مفسران در مورد یک آیه اختلاف نظر دارند، مترجم، هر مبنا یا دیدگاه تفسیری را که ترجیح می‌دهد در ترجمه منعکس می‌سازد (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۱ ش، ص ۱۸۵).

باتوجه به اشکالاتی که روش تفسیری و پیام‌رسان دارد و باتوجه به اینکه امانت‌داری در ترجمه و توجه به همه خصوصیات لفظی زبان مبدا از اصول ترجمه قرآن است، می‌توان دریافت که ترجمه ملکی نیز مانند دیگر ترجمه‌های قرآن، خالی از نقص‌ها و کاستی‌ها نیست. به همین علت لازم است مانند دیگر ترجمه‌های قرآن در ترازوی نقد قرار بگیرد.

از این جهت، در این پژوهش به نقد و بررسی آسیب‌های ادبی ترجمه خواندنی قرآن، نوشته علی ملکی با تأکید بر پنج جزء آخر قرآن می‌پردازیم. از این رو این پژوهش در می‌خواهد به کاستی‌ها و آسیب‌های ترجمه علی ملکی بپردازد.

۱-۱- روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش روش توصیفی - انتقادی می‌باشد؛ بدین معنا که پس از مراجعه به متن آیات و ترجمه علی ملکی، به بررسی ترجمه ایشان پرداخته شده است؛ سپس براساس اصول و قواعد ترجمه و با اتکا به منابع معتبر، ترجمه آیات مورد نقد قرار گرفته است. در ادامه با توجه به حجم نقدها، برای هر یک از نقص‌های ادبی که در ترجمه علی ملکی دیده می‌شود، نمونه‌هایی در متن مقاله به تفصیل نقد می‌شود و در آخر، بهترین ترجمه‌ای که سایر مترجمان از آیه ذکر کرده‌اند، ارائه می‌شود و سایر موردهای آن نقص ادبی در جدولی در آخر پژوهش به صورت اجمالی ذکر می‌شود.

قابل ذکر است، باتوجه به گستره زیادی که آیات و ترجمه‌ها دارد، این پژوهش برای تمرکز بیشتر بر ترجمه آیات و کیفیت پژوهش، با تأکید بر پنج جزء آخر قرآن تنظیم شده است.

۱-۲- پیشینه پژوهش

با جستجو و مراجعه به آثاری محدودی که در زمینه تحلیل و نقد ترجمه خواندنی قرآن نوشته علی ملکی به انتشار درآمده است، درمی یابیم اغلب نویسندگان با زاویه دید متفاوتی نسبت به مقاله حاضر، قلم زده اند. این رویکردها بیشتر مبتنی بر نظریه های جدید زبان شناسی و مبتنی بر رویکرد تطبیقی است و آسیب های ادبی در جزء خاصی را مدنظر قرار نداده اند. چنان که مقاله رضا یل شرز و رویا منصفی با نام «ترجمه مخاطب محور» (قرآن خواندنی) علی ملکی: رویکردی نو به ترجمه قرآن» در پی آن است که با مقایسه ترجمه فولادوند و ملکی و با استفاده از مفاهیمی چون «تعادل کارکردی» کولر و «اثر معادل» نایدا نشان دهد که رویکرد مخاطب محور به ترجمه قرآن به واسطه استفاده از ظرفیت های زبان فارسی بهتر از ترجمه های معنایی می تواند مخاطب را در درک درست و سریع آیات قرآنی یاری رساند.

علی افصلی و لطیفه شهبازی نیز در مقاله «کاربست نظریه اسکوپوس در ارزیابی کیفی ترجمه علی ملکی از قرآن کریم؛ مورد مطالعه سوره المدثر» در پی آن هستند که عنصر هدفمندی را به عنوان بنیان های اساسی نظریه اسکوپوس را با رسالت آقای ملکی که رساندن پیام و محتوای قرآن کریم به ساده ترین وجه و به دور از دشواری های علمی و زبانی است، در سوره مدثر تطبیق دهند.

در مقاله «بررسی ترجمه گفتگوهای قرآنی با تکیه بر تعادل پویا (بررسی موردی ترجمه خواندنی قرآن علی ملکی) اثر علی اصغر شهبازی و عبدالعلی آل بویه لنگرودی نیز بر سبک های گفتگو متمرکز شده اند. براساس این نگاشته، آقای ملکی در ترجمه خود بر راهبردهایی چون توجه به معنای سبکی واژه ها، نحوه ترکیب کلمات در جمله، استفاده از افزوده های غرابت زدا، بهره گیری از واژه ها و تعبیر گفتار محور، به بازآفرینی سبک گفتگوها، اهتمام داشته است.

۱-۳- معرفی ترجمه خواندنی قرآن

ترجمه خواندنی قرآن نوشته علی ملکی می باشد که در رمضان سال ۱۳۹۶ چاپ شده است و تاکنون بارها تجدید چاپ شده است. این ترجمه مانند دیگر ترجمه ها دارای کمال و

کاستی‌هایی است. به گفته علی ملکی ترجمه‌های فارسی قرآن که تاکنون نوشته شده است به دلیل وفاداری تام و کامل به لایه‌های دستوری، واژگانی و فرهنگی زبان مبدا قرآن سبب شده تا ترجمه‌ای گنگ و نامفهوم به مخاطب فارس زبان ارائه شود و من به همین دلیل بر آن شدم تا ترجمه‌ای به سبک مخاطب‌محور و روان و امروزی ارائه دهم تا برای اقشار جامعه فارس‌زبان قابل فهم باشد. طبق آنچه ملکی گفته است، ترجمه خواندنی قرآن دارای ویژگی‌هایی از قبیل روانی و سادگی، ترجمه به تناسب موقعیت، پیشگیری از تضادهای ظاهری، آهنگین ساختن، معادل‌یابی فارسی، آسان فهم بودن و به‌روزر بودن می‌باشد. ملکی بر این باور است که ترجمه خوب، آن ترجمه‌ای است که وقتی می‌خوانی نفهمی ترجمه است و اگر بوی ترجمه دهد یعنی ترجمه مطلوبی ارائه نشده است (آزادی، ۱۳۹۶ ش: ص ۵۹).

اما با همه این تعریف‌ها و تمجیدها، ترجمه خواندنی قرآن دارای کمال‌ها و نقص‌هایی است. روانی، سادگی و آسان فهم بودن را می‌توان از کمال‌های این ترجمه دانست. اما این ترجمه نیز مانند دیگر ترجمه‌های قرآن از آسیب‌ها و کاستی‌هایی رنج می‌برد. ترجمه خواندنی قرآن مانند دیگر ترجمه‌ها در بسیاری از موارد، اصول و قواعد ترجمه را رعایت نکرده و نتوانسته است بهترین و نزدیک‌ترین معادل را برای عبارات و کلمات زبان مبدا در زبان مقصد انتخاب کند. به همین علت آسیب‌های ادبی، نظیر آسیب لغوی، صرفی، نحوی و بلاغی در ترجمه او بسیار دیده می‌شود.

۲. آسیب‌های ادبی

آسیب‌های ادبی از مهم‌ترین انواع آسیب می‌باشند که در ترجمه خواندنی قرآن به وفور دیده می‌شوند. در این بخش به تحلیل و بررسی آسیب‌های ادبی ترجمه ملکی می‌پردازیم.

۲-۱- آسیب‌های لغوی

اولین مرحله در ترجمه یک متن، تحلیل واژگان آن متن است. به همین دلیل مترجم قرآن باید به طور کامل به علم لغت مسلط باشد و به کتاب‌های لغت کهن آشنایی کامل داشته باشد، تا بتواند لغت‌های قرآن را براساس معنای آن در زمان نزول قرآن ترجمه کند.

ما در این بخش به برخی از لغزش‌های لغوی مترجم می‌پردازیم که به دلیل عدم توجه ایشان به علم لغت به وجود آمده است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَنَادُونَكَ مِنَ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ﴾ (حجرات/۴).

ملکی: بیشتر کسانی که تو را از پشت در و دیوار اتاقهای خانه‌ها صدا می‌زنند، بی ادب‌اند. مترجم واژه «لایعقلون» را به بی ادب‌اند ترجمه نموده است؛ در حالی که همچنین ترجمه‌ای از این واژه نارس و مورد اشکال است.

خداوند متعال در این آیه شریفه وصف کرده است، آنان را به نادانی و کم‌خردی، چون قدر رسول خدا ﷺ را نمی‌دانستند و از میزان احترام او خبر نداشتند، به همین علت مانند چهار پایان بی‌خردند (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۹، ص ۱۷۹). پس ترجمه واژه «لایعقلون» به بی‌ادب‌اند کاملاً بی‌ارتباط با معنای کلمه فوق می‌باشد.

ترجمه پیشنهادی (رضایی اصفهانی): در واقع کسانی که تو را از پشت اتاق‌ها فرامی‌خوانند، اکثر آنان خردورزی نمی‌کنند.

﴿أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ تَتَرَبَّصُّ بِهِ رَيْبُ الْمُنُونِ﴾ (طور/۳۰).

ملکی: بلکه می‌گویند: «او خیالبافی است چشم به راهیم دچار حادثه‌ای مرگبار بشود». «شاعر» از ریشه «شعر» و به معنای انسان دروغگو است. همچنین از «شعر» تعبیر به بیان مطالب دروغ شده است. از آنجا که «شعر» در معرض دروغ‌پردازی قرار گرفته، بنابراین گفته شده: بهترین «اشعار» آن است که در آن دروغ‌های بیشتری جای گرفته باشد. علت دشمنی آنها با پیامبر نیز همین بود که آنها پیامبر را دروغگو می‌پنداشتند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۴۵۶). پس ترجمه واژه فوق به خیال‌باف منطقی به نظر نمی‌رسد و با علم لغت سازگاری ندارد.

ترجمه پیشنهادی: بلکه می‌گویند: دروغگویی است که انتظار مرگش را می‌کشیم.

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا﴾ (معارج/۱۹).

ملکی: بله، انسان نوعاً کم‌ظرفیت است.

واژه «الهلع» در لغت به معنای حرص و طمع است. البته گفته شده: به معنای ناشکیبا و کم‌بودن صبر نیز می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۸: ۳۷۵). مقصود از «هلوعاً» جنس انسان

است که بسیار بی‌تاب و کم‌صبر آفریده شده است. «هلوع» از ریشه (هلع) و به معنای زود بی‌تاب‌شدن در هنگام برخورد با ناملايمات است. عرب به شتر تندرو نیز «ناقه هلوع» می‌گوید (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۴: ۳۵۹).

بغوی در این باره می‌نویسد: تفسیر این جمله در آیات بعد است که می‌فرماید: ﴿إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا﴾، ﴿وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا﴾ (معارج/ ۲۱ و ۲۲) که یعنی هنگامی که انسان با فقر اصابت می‌کند بی‌طاقت و کم‌صبر می‌شود، ولی وقتی ثروتمند می‌شود بخیل می‌شود و انفاق نمی‌کند (بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۵: ۱۵۳).

پس باتوجه به معنای لغوی واژه «هلع» و سخنان مفسران درباره آن، ترجمه آن به کم‌ظرفیت از نظر لغوی کاملاً اشتباه به نظر می‌رسد.

ترجمه پیشنهادی (رضایی اصفهانی): در حقیقت انسان آزمند و کم‌طاقت آفریده شده است. ﴿وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ﴾ (تکویر/ ۴).
ملکی: وقتی مردم حتی اموال با ارزش را رها کنند.

«العشار» جمع عشاء و به معنای شتر یا به ماه و شتری که ده ماه از بارداری اش گذشته باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۶۷). در آن زمان نیز چنین شتری از باارزش‌ترین اموال عرب محسوب می‌شد (بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۵: ۲۱۵). معنای تعطیل شدن «عشاء» این است که در روز رستاخیز مردم چنین مال نفیسی را رها می‌کنند و هیچ چوپان و دشتبانی که آن را حفظ کند بر آن نمی‌گمارند و گویا در این جمله اشاره‌ای بطور کنایه به این معنا باشد که همین اموال نفیسی که مردم در دنیا بر سر آن پنجه به روی هم می‌کشند، آن روز بی‌صاحب می‌ماند و کسی نیست که از آنها استفاده کند، برای اینکه مردم آن روز آن قدر به خود مشغولند که از هیچ چیز دیگری یاد نمی‌کنند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰: ۲۱۳).

اشکال موجود در ترجمه ملکی، این است که در ترجمه‌اش واژه «العشار» به اموال با ارزش ترجمه شده؛ درحالی‌که بهتر آنست که بر اساس معنای واژه «العشار» در کتاب‌های لغت به شتر باردار یا به ماه ترجمه شود و اگر توضیح‌های اضافی‌ای درباره این واژه وجود دارد باید در پرازنر ذکر شود.

ترجمه پیشنهادی (مشکینی): و آن گاه که شتران آبستن ده ماهه (با ارزش ترین مال آن عصر) رها و بی صاحب مانند.

﴿وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ﴾ (طارق/۱۴).

ملکی: و به هیچ وجه هذیان نیست.

برای واژه «هزل» سه وجه به کار برده اند:

اول: به معنای شوخی است، همان طور که ابن عباس و مجاهد گفته اند.

دوم: به معنای باطل و بیهوده است، همان طور که وکیع و ضحاک گفته اند.

سوم: به معنای کذب و دروغ است، همان طور که سدی گفته است (ماوردی، بی تا، ج ۶: ۲۴۹).

فخر رازی «هزل» را در این آیه به معنای شوخی می داند و در این باره می نویسد: معنای این آیه این است که قرآن جدی نازل شده است و شوخی ای در آن نیست (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۱: ۱۲۳).

شیخ طوسی نیز در این باره می نویسد: «هزل» ضد جدی می باشد و به این معناست که قرآن جداکننده حق از باطل است و هیچ شوخی ای در آن نیست (طوسی، بی تا، ج ۱۰: ۳۲۶). پس به کار بردن معنای هذیان برای واژه «هزل» صحیح به نظر نمی رسد و کاملاً از معنای آیه دور است.

ترجمه پیشنهادی (رضایی اصفهانی): که قطعاً آن (قرآن) سخنی فیصله بخش است، و آن شوخی نیست.

در این بخش به برخی از اشکال های لغوی ترجمه خواندنی قرآن اشاره کردیم که روشن می کند مترجم در ترجمه خود کمال دقت را نداشته است و در برخی از موارد به برخی از لایه های واژگانی زبان عربی توجه نکرده است. به بیانی دیگر برای اینکه ترجمه ای روان و امروزی ارائه دهد، زبان مبدا را فدای زبان مقصد کرده است.

۲-۲. آسیب‌های صرفی

ترجمه قرآن کریم باید تا حد امکان با متن قرآن کریم منطبق باشد و به ساختار دستوری قرآن کریم توجه کند، وگرنه ترجمه ناقصی است. به همین دلیل، لازم است در این بخش به برخی از اشکال‌ها و لغزش‌های صرفی ترجمه خواندنی قرآن اشاره و نقد و بررسی کنیم.

۲-۲-۱. مفرد و جمع

ترجمه اشتباه واژه‌های مفرد و جمع، یکی از انواع آسیب‌های صرفی در ترجمه ملکی می‌باشد که در این بخش به تحلیل و بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

۲-۲-۱-۱- ترجمه کلمه مفرد به صورت جمع

در این بخش به واژگان مفردی که در ترجمه ملکی به اشتباه به صورت جمع ترجمه شده‌اند پرداخته می‌شود:

﴿وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ﴾ (طور/۶).

ملکی: قسم به دریا‌های برافروخته.

واژه «بحر» خلاف خشکی، مفرد و جمع آن «أَبْحَرٌ»، «بِحَارٌ» و «بُحُورٌ» است (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۵۸۵). اما همان‌طور که مشاهده می‌کنید مترجم، واژه «بحر» را به اشتباه به صورت جمع ترجمه کرده است و دچار اشکال صرفی شده است.

ترجمه پیشنهادی (رضایی اصفهانی): و به دریای (پُر و) برافروخته.

﴿يُولِجُ اللَّيْلُ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارُ فِي اللَّيْلِ﴾ (حدید/۶).

ملکی: در طول سال، مدتی شب‌ها را بلند و روزها را کوتاه می‌کند و مدتی روزها را بلند و شب‌ها را کوتاه.

واژه «لیل» مفرد است و جمع آن «لَيَالٍ» و «لَيَالِئُلٌ» و «لَيَالَاتٌ» است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۷۵۱). واژه «نهار» نیز مفرد است و جمع آن «النُّهَرُ» می‌باشد (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۶: ۱۴۸). هر دو این واژگان مفرد هستند و هر دو، ۲ بار در این آیه بکار رفته‌اند؛ در حالی که مترجم، هر دو واژه را به اشتباه به صورت جمع ترجمه کرده است و دچار اشکال صرفی شده است.

ترجمه پیشنهادی (رضایی اصفهانی): شب را در روز وارد می‌کند و روز را در شب وارد می‌کند.

﴿وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ﴾ (مرسلات/۹).

ملکی: وقتی آسمان‌ها به هم بریزند.

واژه «سما» مفرد است و به صورت «سماوات» جمع بسته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج: ۱، ۴۲۷)؛ در حالی که مترجم اشتباه صرفی مرتکب شده است و واژه «سما» را به صورت جمع ترجمه کرده است.

ترجمه پیشنهادی (رضایی اصفهانی): و هنگامی که (کرات) آسمان شکافته شود.

۲-۲-۱-۲. ترجمه کلمه جمع به صورت مفرد

در این بخش به برخی از واژگان جمعی که در ترجمه خواندنی قرآن، به اشتباه به صورت مفرد ترجمه شده‌اند، اشاره می‌کنیم:

﴿فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَذْبَارُهُمْ﴾ (محمد/۲۷).

ملکی: خب چطور است حال و روزشان آن وقت که فرشتگان قبض روح جانیشان را می‌گیرند و بر سر و صورت و پشت و پهلویشان می‌زنند.

مترجم واژه «وجه» را به سر و صورت و واژه «ادبار» را به پشت و پهلوی، یعنی به صورت مفرد ترجمه کرده است؛ در حالی که واژه «وجه»، جمع «الوجه» (ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج: ۴، ۳۹۶) و واژه «ادبار» جمع «دبر» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج: ۱، ۳۰۶) می‌باشند و باید به صورت جمع ترجمه شوند.

ترجمه پیشنهادی (رضایی اصفهانی): (حال آنان) چگونه است هنگامی که فرشتگان (جان‌های) آنان را بطور کامل می‌گیرند، در حالی که بر صورت‌هایشان و پشت‌هایشان می‌زنند؟

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ﴾ (حجرات/۲)

ملکی: مسلمانان! صدایتان را از صدای پیامبر بالاتر نبرید.

واژه «اصوات» جمع «صوت» است (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج: ۳، ۸۸)، اما آقای ملکی این واژه را به اشتباه به صورت مفرد ترجمه کرده است و در نتیجه دچار اشتباه و لغزش صرفی شده است.

ترجمه پیشنهادی (رضایی اصفهانی): ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صداهایتان را فراتر از صدای پیامبر بلند مکنید.

﴿وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ (حجرات/۱۵).

ملکی: و با مال و جان‌شان در راه خدا مبارزه می‌کنند.

واژه «اموال» جمع «مال» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸: ۳۴۴) و واژه «انفس» جمع «النفس» (مهنا، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۶۳۶) می‌باشد؛ درحالی‌که مترجم واژه «اموال» و «انفس» را به‌صورت مفرد ترجمه کرده است و دچار آسیب صرفی شده است.

ترجمه پیشنهادی (مشکینی): و با مال‌ها و جان‌هایشان در راه خدا جهاد کرده‌اند.

۲-۲-۲. اسم تفضیل

اسم تفضیل، معادل صفت تفضیلی «برتر» و صفت عالی «برترین» در زبان فارسی است. صفت تفضیلی در فارسی با افزودن پسوند «تر» به آخر صفت مطلق پدید می‌آید؛ مانند: «بزرگتر» و «خوبتر» و صفت عالی با افزودن پسوند «ترین» به آخر صفت مطلق به دست می‌آید؛ مانند: «بزرگترین» و «خوبترین».

همان‌طورکه مشاهده می‌شود، برای دو صفت برتر و برترین، دو ساختار مختلف در زبان فارسی وجود دارد؛ اما در زبان عربی برای این دو صفت، ساختاری واحد وجود دارد. اگر بعد از اسم تفضیل «من» به کار رود، صفت «برتر» و در غیر این صورت «برترین» می‌باشد (کشفی، ۱۳۹۵ش، ج ۱: ۲۶۶). در این بخش برخی از اسم تفضیل‌هایی که در ترجمه خواندنی قرآن دارای اشکال هستند نقد و بررسی می‌شود.

﴿لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى﴾ (نجم/۱۸).

ملکی: او چند نشانه بزرگ خدا را دید.

واژه «اکبر» اسم تفضیل بر وزن «افعل»، و «کبری» مونث آن و بر وزن «فُعلی» می‌باشد (کشفی، ۱۳۹۵ش، ج ۱: ۲۶۶). به همین علت باید با پسوند «ترین» ترجمه شود، مانند برخی از ترجمه‌ها، مثل جلال‌الدین فارسی، طاهری قزوینی، مرکز فرهنگ و معارف قرآن و غیره و گرنه از نظر صرفی مورد اشکال است، اما همان‌طورکه ملاحظه می‌کنید مترجم به اسم تفضیل بودن واژه

فوق دقت نکرده و در اصل دچار همان لغزش صرفی شده است.

ترجمه پیشنهادی (مرکز فرهنگ و معارف قرآن): به یقین برخی از بزرگ‌ترین آیات پروردگارش را دید.

﴿وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ﴾ (انشقاق/۲۳).

ملکی: خدا بهتر می‌داند آنچه را در دل پنهان می‌کنند.

واژه «اعلم» اسم تفضیل است و باید به صورت صفت با پسوند «ترین» ترجمه شود، تا لغزش صرفی پیش نیاید؛ در حالی که همان‌طور که مشاهده می‌کنید، مترجم واژه فوق را به اشتباه، به «بهتر می‌داند» ترجمه کرده است و دچار اشتباه صرفی شده است.

ترجمه پیشنهادی (فولادوند): و خدا به آنچه در سینه دارند دانایتر است.

۲-۲-۳. اسم مبالغه

در این بخش به نمونه‌ای از اسم مبالغه‌هایی که مترجم، در ترجمه خواندنی قرآن به آن توجه نکرده و اشتباه ترجمه کرده است، اشاره می‌کنیم:

﴿اِنْ تَقْرَضُوا اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللّٰهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ﴾ (تغابن/۱۷).

ملکی: اگر کارهای خوب پیش خدا پس انداز کنید، خدا هم برایتان چند برابرش می‌کند و می‌آمرزدتان؛ زیرا خدا قدرشناس بردبار است.

واژه «شکور» صیغه مبالغه بر وزن «فعول» (قرشی، ۱۳۷۱ ش، ج ۴: ۶۳) و در این آیه یکی از اوصاف خداوند است و به این معناست که خداوند از بندگانش به وسیله پاداش‌های عظیم تشکر می‌کند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۲۴: ۲۱۲).

باید گفت واژه «شکور» صیغه مبالغه است؛ اما مترجم به مبالغه‌بودن این واژه دقت کافی را نداشته است و در نتیجه مبالغه‌بودن این واژه را به ترجمه منتقل نکرده است و دچار اشکال و لغزش صرفی شده است.

ترجمه پیشنهادی (رضایی اصفهانی): اگر به خدا «قرض الحسنه‌ای» وام دهید، آن را برای شما می‌افزاید و شما را می‌آمرزد؛ و خدا بسی سپاسگزار (و) بردبار است.

۲-۲-۴. اسم فاعل

در این بخش به برخی از اسم فاعل‌هایی که آقای ملکی در ترجمه آن دچار اشتباه شده است، اشاره می‌کنیم:

﴿وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ﴾ (ملک/۲۵).

ملکی: می‌پرسند: «اگر راست می‌گویید، این وعده روز قیامت کی می‌رسد پس؟!». واژه «صادقین» اسم فاعل بر وزن «فاعل» می‌باشد، اما مترجم در این آیه هم به این مسئله دقت کافی نداشته است و دچار لغزش صرفی شده است.

قابل ذکر است برخی از مترجمان مانند: دهلوی، انصاریان، رضایی اصفهانی و غیره به این مسئله توجه کرده‌اند و واژه فوق را به صورت اسم فاعل ترجمه کرده‌اند.

ترجمه پیشنهادی (رضایی اصفهانی): و (کافران) می‌گویند: «اگر راست گوئید، این وعده (قیامت) چه وقت است؟»

﴿وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ﴾ (ضحی/۱۰).

ملکی: یا نکند گدایان را را با تندى از خودت دور کنی.

واژه «سائل» اسم فاعل بر وزن «فاعل» می‌باشد، اما همان‌طور که مشاهده می‌کنید، مترجم اصلاً به این مسئله توجه نکرده است و واژه را به «گدایان» ترجمه کرده و در نتیجه دچار لغزش صرفی شده است.

ترجمه پیشنهادی (مکارم): و سؤال کننده را از خود مران.

۲-۲-۵. اسم مفعول

در این بخش به برخی از آسیب‌هایی که مترجم در ترجمه اسم مفعول‌ها به آن دچار شده است، می‌پردازیم:

﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ﴾ (ذاریات/۲۴).

ملکی: داستان فرشتگان بزرگواری که مهمانان ابراهیم شدند، به گوشت خورده؟
واژه «مُکْرَمِينَ» اسم مفعول بر وزن «مُفْعَلٌ» می‌باشد و باید به صورت درست ترجمه شود، اما همان‌طور که مشاهده می‌کنید، مترجم در این آیه واژه را به بزرگوار ترجمه کرده و به این مسئله

توجه نکرده و دچار آسیب صرفی شده است.

ترجمه پیشنهادی (رضایی اصفهانی): آیا خبر میهمان‌های گرامی داشته شده ابراهیم به تو رسیده است؟

۲-۲-۶. ترجمه افعال

مترجم در برخی از آیات قرآن کریم به ترجمه فعل‌ها دقت نکرده و دچار لغزش و اشکال‌های صرفی شده است که ما در این بخش به برخی از افعالی که از جهت زمان به درستی ترجمه نشده، و افعال مجهول که به شکل معلوم ترجمه شده‌اند، اشاره مختصری می‌کنیم.

۲-۲-۶-۱. افعال از جهت زمان

در این بخش به برخی از افعالی که مترجم از جهت زمان به آن توجه نکرده و دچار لغزش شده است، اشاره می‌کنیم:

﴿وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا﴾ (نوح/۱۴).

ملکی: درحالی که او شما را مرحله به مرحله می‌آفریند.

«خَلَقَكُمْ» فعل ماضی می‌باشد؛ اما همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، مترجم کلمه فوق را به صورت مضارع و به «می‌آفریند» ترجمه کرده است، و دچار آسیب صرفی شده است. ترجمه پیشنهادی (فولادوند): و حال آنکه شما را مرحله به مرحله خلق کرده است.

۳-۲-۶-۲. ترجمه فعل مجهول به شکل معلوم

در این بخش به برخی از افعال مجهولی که در ترجمه خواندنی قرآن به اشتباه به صورت معلوم ترجمه است، اشاره می‌کنیم:

﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ﴾ (حاقة/۱۳).

ملکی: وقتی در شیپور قیامت یک‌باره بدمند.

مترجم واژه «نُفِخَ» که فعل مجهول می‌باشد را به «بدمند» و به صورت معلوم ترجمه کرده است، که از نظر صرفی اشتباه است.

ترجمه پیشنهادی: پس (یاد کن) وقتی که در صور (شیپور قیامت) دمیده شود، (تنها) یک بار دمیدن.

﴿إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ﴾ (تکویر/۱).

ملکی: وقتی خورشید را بی نور کنند.

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، در این آیه نیز به اشتباه واژه «کُورِت» که فعل مجهول و در این آیه به معنای درهم پیچیده شدن خورشید و همان استعاره از تاریک و بی نور شدن خورشید می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰: ۲۱۳)، به صورت معلوم ترجمه شده و سبب بروز اشکال و لغزش دیگری شده است.

ترجمه پیشنهادی (رضایی اصفهانی): هنگامی که خورشید درهم پیچیده شود.

۲-۲-۷. مصدر

در این بخش به نمونه‌ای از اشتباه‌های مترجم در ترجمه مصدرها در ترجمه خواندنی قرآن اشاره می‌کنیم:

﴿فَإِذَا تُفْخَعُ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ﴾ (حاقة/۱۳).

ملکی: وقتی در شیپور قیامت یک‌باره بدمند.

آقای ملکی در اینجا به واژه «نفخه» دقت نکرده است! مصدر عددی در ثلاثی مجرد بر وزن «فَعَلَة» می‌آید و به همین علت واژه «نَفْخَةٌ» مصدر عددی است و باید به صورت مصدر ترجمه شود. در حالی که مترجم اصلاً به مصدر بودن واژه فوق دقت نکرده است. برخلاف برخی از مترجمان مانند: دهلوی، ثقفی تهرانی، معزی و غیره که به مصدر بودن واژه فوق توجه کرده‌اند و این آیه را به درستی ترجمه کرده‌اند.

ترجمه پیشنهادی: پس (یاد کن) وقتی که در صور (شیپور قیامت) دمیده شود، (تنها) یک بار دمیدن.

۲-۳. آسیب‌های نحوی

در این بخش به نمونه‌هایی از اشکال‌ها و لغزش‌های نحوی ترجمه خواندنی قرآن، مانند مفعول مطلق، حال، بدل و غیره می‌پردازیم و آن‌ها را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم.

۲-۳-۱. مفعول مطلق

در این بخش به نمونه‌ای از اشتباه‌های مترجم در ترجمه مفعول مطلق‌های قرآن اشاره می‌کنیم:

﴿وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا﴾ (نبا/۲۸).

ملکی: و آیه‌های ما را کلاً دروغ می‌دانستند.

کلمه «کِذَابًا» مفعول مطلق منصوب است (صالح شیخلی، ۱۹۸۸م، ج ۱۲: ۳۱۷) و چون مصدر فوق تنها به کار رفته و بعد از آن صفت یا مضاف‌الیه به کار نرفته، آن مفعول مطلق تأکیدی می‌باشد که باید با قیدهایی مانند: شدیداً، به‌شدت، به‌سختی و مانند این ترجمه شود (کشفی، ۱۳۹۵ش، ج ۲: ۱۳۹). اما در ترجمه خواندنی قرآن همچین قیدهایی نمی‌بینیم و مترجم در اصل با ترجمه کلمه فوق به «کلاً» دچار لغزش و آسیب نحوی شده است که باید تصحیح شود.

ترجمه پیشنهادی (انصاریان): و آیات ما را به‌شدت و با همه وجود انکار می‌کردند.

۲-۳-۲. مفعول فیه (ظرف)

در این بخش به نمونه‌ای که مترجم به مفعول فیه بودن آن دقت نکرده و دچار آسیب نحوی شده است، اشاره می‌کنیم:

﴿أَنْتَ يُؤْفَكُونَ﴾ (منافقون/۴).

ملکی: چطور از مسیر حق به انحراف کشیده می‌شوند؟

«آنی» در این آیه، «مفعول فیه» (طنطاوی، ۱۳۹۸ش: ۶۸۸) یا «ظرف مکان» می‌باشد (علوان، ۱۴۲۷ق، ج ۴: ۲۴۶۳). اما همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، مترجم به این مسئله توجه نکرده و دچار لغزش نحوی شده است.

ترجمه پیشنهادی (فولادوند): تا کجا (از حقیقت) انحراف یافته‌اند؟

۲-۳-۳. حال

در این بخش به نمونه‌ای از اشتباه‌های مترجم در ترجمه حال‌ها می‌پردازیم:

﴿ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ﴾ (ملک/۴).

ملکی: اصلاً چندباره نگاه کن آن قدر که خستگی و واماندگی در چشم‌هایت موج بزند. واژه «خاسناً» در این آیه حال منصوب برای «البصر» است (صافی ۱۴۱۸ق، ج ۲۹: ۱۵) و بهتر آن است که در فارسی با قید «درحالی‌که» ترجمه شود، اما مترجم به این مسئله توجه نکرده و دچار آسیب نحوی شده است.

ترجمه پیشنهادی (مکارم): بار دیگر (به عالم هستی) نگاه کن، سرانجام چشمانت (در جستجوی خلل و نقصان ناکام مانده) به سوی تو باز می‌گردد درحالی‌که خسته و ناتوان است!

۲-۳-۴. بدل

در این بخش به نمونه‌ای از آسیب‌های ترجمه خواندنی قرآن، در ترجمه بدل‌ها می‌پردازیم:

﴿لَا يَلَاِفُ قُرَيْشٍ / إِيْلَافُهُمْ رَحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ﴾ (قریش ۱ و ۲).

ملکی: به شکرانه امنیت و آرامشی که خدا در سفرهای تجاری زمستانه و تابستانه به قبیله قریش داد.

ماده «الف» مصدر ثلاثی مجرد و باب افعالش «ایلاف» است، به معنای اجتماع با همبستگی و الفت، و به قول راغب اصفهانی الفت را به همین جهت الفت می‌گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰: ۳۶۵). افزون بر این «ایلافهم» بدل از «ایلاف» اول می‌باشد (طنطاوی، ۱۳۹۸ش: ۷۵۵؛ برزی، ۱۳۸۲ش: ۶۰۲) که باید در ترجمه، به آن دقت شود، اما مترجم به آن توجه نکرده است.

ترجمه پیشنهادی (رضایی اصفهانی): برای الفت گرفتن قریش / الفت آنان در سفر زمستانه و تابستانه.

۲-۳-۵. ندا

در این بخش نمونه‌ای از اشتباه‌های آقای ملکی در ترجمه ندا و منادی‌ها را نقد و بررسی می‌کنیم:

﴿قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾ (نوح ۲).

ملکی: نوح به آن‌ها گفت: «مردم! من برایتان هشداردهنده‌ای با صراحتم.

حرف «یا»، حرف ندا و منادی آن «قوم» می‌باشد (طنطاوی، ۱۳۹۸ش: ۷۰۹). اما همان‌طور

که مشاهده می‌کنید، مترجم به این مسئله توجهی نکرده و برای حرف ندا اصلاً معادلی قرار نداده است.

ترجمه پیشنهادی (مشکینی): (نوح) گفت: «ای قوم من، من شما را هشدار دهنده‌ای آشکارم
۲-۳-۶. تضمین

تضمین در اصطلاح علم نحو، عبارت است از اینکه معنای لفظی در لفظ دیگر گنجانده شود؛ به طوری که افزون بر برداشتن معنای دو لفظ، حکم لفظ دوم را به خود اختصاص دهد و در اصل فایده تضمین در این است که یک کلمه معنای دو کلمه را می‌دهد (هادی‌لو، ۱۳۹۷: ۹۷). در این بخش به عدم توجه مترجم به تضمین در قرآن اشاره می‌کنیم:

﴿وَأَسْمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ﴾ (ق/۴۱).

ملکی: و گوش به زنگ روزی باش که نداده‌نده، از همین نزدیکی‌ها، در شیپور قیامت بدمد. «استمع» در این آیه غیر از معنای اصلی‌اش، متضمن معنای «انتظار» نیز می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۸، ۳۶۰) و باید معنای «انتظار» نیز در ترجمه این آیه لحاظ شود، درحالی‌که علی‌ملکی به تضمین‌شدن معنای «انتظار» در فعل «استمع» دقت نکرده و دچار اشتباه و لغزش نحوی شده است.

ترجمه پیشنهادی (مکارم): و گوش فراده و منتظر روزی باش که منادی از مکانی نزدیک ندا می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲-۴. آسیب‌های بلاغی

ازجمله علم‌هایی که در ترجمه قرآن نقش بسزایی دارد، علوم بلاغی است که به زیبایی ترجمه قرآن کمک بسیاری می‌کند. در این بخش به نقد و بررسی برخی اشتباه‌ها و لغزش‌های بلاغی ترجمه خواندنی قرآن می‌پردازیم.

۲-۴-۱. حصر

از اسلوب‌های معانی قرآن، «حصر و اختصاص» است که به آن «قصر» نیز می‌گویند؛ «حصر» به نوعی تخصیص و منحصر کردن است.

در برخی از آیات قرآن حصر وجود دارد، اما آقای ملکی به این مسئله توجه کافی را نداشته و برخی از حصرها را در ترجمه لحاظ نکرده و دچار لغزش بلاغی شده است، که در این بخش به نمونه‌ای از این موارد اشاره می‌شود:

﴿فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَنْ نَفْسِهِ﴾ (محمد/۳۸).

ملکی: ولی بعضی هایتان بخل می‌ورزید. کسی که بخل بورزد، در حق خودش بخل ورزیده است.

«انما» در این آیه، از ادات حصر است (آدینه‌وند، ۱۳۷۷ش، ج ۶: ۹۰) و باید به صورت حصر و با قیدهایی مانند: «تنها»، «فقط» و غیره ترجمه شود، تا هیچ اشکال بلاغی پیش نیاید، اما آقای ملکی اصلاً به این مسئله توجه نکرده و هیچ معادلی برای «انما» قرار نداده و لذا دچار آسیب بلاغی شده است.

ترجمه پیشنهادی (رضایی اصفهانی): پس برخی از شما کسی است که بخل می‌ورزد و هر کس بخل ورزد، پس فقط نسبت به خودش بخل کرده است.

۲-۴-۲. استعاره

استعاره از نخستین مسایل علوم بلاغی است که بسیار مورد توجه مفسران و دانشمندان قرار گرفته و درباره آن گفته شده: استعاره لفظی که استعمال شده در معنایی که به معنای اصلی لفظ شباهت دارد (سیوطی، ۱۳۹۴ق، ج ۳: ۱۴۸). در این بخش به نمونه‌ای که مترجم به استعاره بودن آن توجه نکرده است، اشاره می‌کنیم:

﴿فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ﴾ (فجر/۱۳).

ملکی: تا آنکه خدا شلاق عذاب را بر گرده آنها گرفت.

در این آیه شریفه دو لفظ «صب=ریختن» و «سوط=تازیانه» استعاره آورده شده است برای عذاب دردناک الهی بنابراین «صَبَّ» در این آیه کنایه است از دوام و پی‌درپی بودن عذاب و «سوط» کنایه از دردناکی عذاب الهی است (سیوطی، ۱۳۹۴ق، ج ۳: ۱۵۶). اما آقای ملکی به این مسئله توجه نکرده و دچار لغزش بلاغی شده است.

ترجمه پیشنهادی: پس پروردگارت آنان را با عذابی دائمی و دردناک عذاب کرده است.

۲-۴-۳. کنایه

کنایه در اصطلاح، سخنی است که دارای دو معنی نزدیک (حقیقی) و دور (مجازی) باشد؛ به طوری که دو معنی فوق لازم و ملزوم یکدیگر باشند. تا شخص با اندکی تأمل معنای دوم را که لازمه معنای اول است درک کند. کنایه یکی از لطیف ترین و دقیق ترین اسلوب های بلاغت و رساتر از صراحت می باشد؛ زیرا ذهن انسان را از لازم به ملزوم منتقل می کند (ده مرده، ۱۳۸۶ ش، ۳). در این بخش به نمونه ای که مترجم در ترجمه خواندنی قرآن به کنایه بودن آن توجه نکرده اشاره می کنیم:

﴿سَنَسِمْهُ عَلَى الْخُرْطُومِ﴾ (قلم/۱۶).

ملکی: به زودی بینی اش را به خاک می مالیم.

کلمه «خرطوم» به معنای بینی است، اما در این آیه کنایه از بزرگی و عزت است (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۹: ۳۷۲)، اما همان طور که مشاهده می کنید، مترجم به این مسئله توجهی نکرده و واژه فوق را به صورت دقیقی ترجمه نکرده است و دچار آسیب بلاغی شده است.

ترجمه پیشنهادی (حجتی): ما در برابر غرورش به نهایت درجه خوارش می سازیم

۲-۴-۴. مجاز

مجاز در دیدگاه جمهور ادیبان و اصولیان، کاربرد لفظ در معنای غیروضعی خود، همراه با علاقه و مناسبت میان معنای حقیقی و مجازی و قرینه ای است که مانع از اراده معنای حقیقی شود (فقهی زاده، ۱۳۹۱ ش: ۱۸۹). در این بخش به نمونه ای از آیاتی که ملکی به مجاز بودن آن دقت نکرده است، اشاره می کنیم:

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ﴾ (انسان/۲۶).

ملکی: قسمتی از شب را در برابرش سجده کن.

«فاسجد» به معنای سجده کردن است؛ اما چون سجده کردن یکی از اجزای نماز می باشد، در این آیه به صورت مجاز و از باب اطلاق جزء و اراده کل، از آن به جا آوردن نماز قصد شده است (سیوطی، ۱۳۹۴ ق، ج ۳: ۱۲۳). اما همان طور که ملاحظه می کنید آقای ملکی به این مسئله توجهی نکرده و دچار آسیب بلاغی شده است.

ترجمه پیشنهادی: و بخشی از شب را برای او نماز بخوان.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب این پژوهش، به نتایج زیر می‌توان اشاره کرد:

۱. ترجمه خواندنی قرآن نیز مانند دیگر ترجمه‌های قرآن دارای کمال‌ها و نقص‌هایی است.
۲. مهم‌ترین ویژگی ترجمه خواندنی قرآن، روانی، سادگی و قابل فهم بودن آن برای اقشار جامعه است. مهم‌ترین اشکال آن نیز عدم توجه به زبان مبدأ و عدم توجه به اصول، مبانی، قواعد و شرایط ترجمه قرآن کریم می‌باشد که باعث بروز اشکال‌های ادبی بسیاری شده است.
۳. آسیب‌های ادبی از مهم‌ترین اشکال‌های ترجمه خواندنی قرآن است. آسیب‌های لغوی، صرفی، نحوی و بلاغی از این نوع آسیب‌ها می‌باشند که در ترجمه ایشان بسیار دیده می‌شود. با توجه به پژوهش حاضر و آسیب‌ها و کاستی‌های ادبی که در ترجمه خواندنی قرآن نوشته علی ملکی مشاهده و بررسی شد، ترجمه گروهی قرآن کریم امری ضروری به نظر می‌رسد. در ترجمه مطلوب باید گروهی از متخصصان و پژوهشگران جمع شوند که هرکدام در یکی از مباحث مانند لغت، صرف، نحو، بلاغت و غیره تخصص و سررشته دارند تا به‌طور عمیق هر مبحث مطالعه شود و در آخر ترجمه‌ای صحیح و نزدیک به معنای آیات ارائه گردد.

منابع

* قرآن کریم

۱. آدینه‌وند لریستانی، محمدرضا. (۱۳۷۷ش). کلمة الله العليا. تهران: اسوه.
۲. آزادی، رها. (۱۳۹۶ش). نقد و بررسی سه اثر قرآنی. رشد جوانه، (۵۵)، ۵۶-۵۹.
۳. ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ق). تهذیب اللغة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. انصاریان، حسین. (۱۳۸۳ش). ترجمه قرآن. قم: اسوه.
۵. ابن سیده، علی بن اسماعیل. (۱۴۲۱ق). المحکم والمحیط الاعظم (تحقیق عبدالحمید هنداوای). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۷. بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰ق). تفسیر البغوی (معالم التنزیل) (تحقیق عبدالرزاق مهدی). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. برزی، اصغر. (۱۳۸۲ش). ترجمه قرآن و نکات نحوی آن. تهران: بنیاد قرآن.
۹. ثقفی تهرانی، محمد. (۱۳۹۸ق). روان جاوید در تفسیر قرآن (چاپ دوم). تهران: برهان.
۱۰. جوهری، ابونصر اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۷ق). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة (چاپ چهارم). بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۱. حجتی، مهدی. (۱۳۸۴ش). ترجمه قرآن. قم: بخشایش.
۱۲. ده‌مرده، حیدرعلی؛ امیری خراسانی، احمد؛ طالبیان، یحیی؛ بصیری، محمدصادق. (۱۳۸۶ش). کنایه لغزان‌ترین موضوع در فن بیان. نثر پژوهی ادب فارسی (ادب و زبان)، (۲۲).
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالقلم.
۱۴. رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۹۱ش). آشنایی با اصول و روش‌های ترجمه قرآن. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.

۱۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۳ش). ترجمه قرآن. قم: مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر.
۱۶. زبیدی، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس (تحقیق علی شیر). بیروت: دارالفکر.
۱۷. سرخسی، محمد بن احمد. (۱۴۱۴ق). المبسوط. بیروت: دارالمعرفه.
۱۸. سیوطی، جلال‌الدین. (۱۳۹۴ق). الاثنان فی علوم القرآن (تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم). مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
۱۹. شاه ولی‌الله دهلوی، احمد بن عبدالرحیم. (بی‌تا). ترجمه قرآن. سراوان: کتابفروشی نور.
۲۰. شرتونی، رشید. (۱۴۳۹ق). مبادئ العربية. قم: دارالعلم.
۲۱. صافی، محمود. (۱۴۱۸ق). الجدول فی إعراب القرآن و صرفه و بیانه. دمشق: دارالرشید.
۲۲. صالح شیخلی، بهجت عبدالواحد. (۱۹۸۸م). إعراب المفصل لكتاب الله المرتل. اردن: دارالفکر.
۲۳. طاهری قزوینی، علی اکبر. (۱۳۸۰ش). ترجمه قرآن. تهران: قلم.
۲۴. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلامی للمطبوعات.
۲۵. طباطبایی، محمدرضا. (۱۳۷۳ش). صرف ساده. قم: دارالعلم.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (تصحیح فضل‌الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی). تهران: ناصر خسرو.
۲۷. طنطاوی، محمد سید. (۱۳۹۸ش). معجم إعراب ألفاظ القرآن الکریم. قم: انتشارات ژکان.

۲۸. طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن (تصحیح احمد بن حبيب عاملی). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۹. علوان، عبدالله بن ناصح. (۱۴۲۷ق). إعراب القرآن الکریم (تحقیق ابراهیم بنا، محمد محمد عبد، فتحي انوار دابولي). طنطا: دار الصحابه للتراث.
۳۰. فارسی، جلال الدین. (۱۳۶۹ش). ترجمه قرآن. تهران: انجام کتاب.
۳۱. فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۲. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). العین. قم: نشر هجرت.
۳۳. فقهی زاده، عبدالهادی، توکلی محمدی، نرجس. (۱۳۹۱ش). تحلیل انتقادی دیدگاهها درباره چپستی مفهوم مجاز و اقسام آن. ادب عربی، ۴(۳)، ۱۸۷-۲۲۱.
۳۴. فولادوند، محمد مهدی. (۱۴۱۸ق). ترجمه قرآن. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۳۵. قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۱ش). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. کشفی، عبدالرسول. (۱۳۹۵ش). دستوری کاربرد زبانی عربی. قم: کتاب طه.
۳۷. مابوردی، علی بن محمد. (بی تا). النکت و العیون (تفسیر المابوردی) (تعلیق سید عبدالرحیم بن عبدالمقصود). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۸. مرکز فرهنگ و معارف قرآن. (۱۳۸۵ش). ترجمه قرآن. قم: بوستان کتاب.
۳۹. مشکینی اردبیلی، علی. (۱۳۸۱ش). ترجمه قرآن. قم: نشر الهادی.
۴۰. معزی، محمد کاظم. (۱۳۷۲ش). ترجمه قرآن (چاپ اول). قم: اسوه.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۶ش). ترجمه قرآن. قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱ش). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۳. ملکی، علی. (۱۳۹۷ش). ترجمه خواندنی قرآن. تهران: نقش ایران.

۴۴. مهنا، عبدالله علی. (۱۴۱۳ق). لسان اللسان (تهذیب لسان العرب). بیروت: دارالکتب العلمیه.

۴۵. میراحمدی، عبدالله؛ شجاعی‌پور، امیرمحمد. (۱۴۰۱). نقد و بررسی ترجمه خواندنی قرآن به قلم علی ملکی (پنج جزء آخر قرآن). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی.

۴۶. هادی‌لو، بهمن. (۱۳۹۷ش). معناشناسی افعال از خلال تضمین نحوی و برابری آن در ترجمه‌های مکارم و مشکینی. مطالعات سبک‌شناسی قرآن کریم، (۲)، ۹۳-۱۱۰.

